

اطلاعات

ترجیم

بازگشت همه به سوی اوست

با اندوه فراوان، درگذشت شادروان سرکار خانم انسیه قیصری (همسر مرحوم کاظم کورس) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.

مراسم ترجیم آن بانوی پرهیزگار از ساعت ۱۶/۳۰ لغایت ۱۸ روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ در مسجدجامع شهرک غرب برگزار می‌گردد.

فرزندان: سعید، حمید، وحید خانواده‌های: قیصری، کورس و سایر اقوام و آشنایان و خانواده‌های وابسته.

بازگشت همه به سوی اوست

نهایت تأسف و تالم، درگذشت شادروان سرکار خانم انسیه قیصری (همسر مرحوم کاظم کورس) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.

مراسم ترجیم آن بانوی نیکوکار از ساعت ۱۶/۳۰ لغایت ۱۸ روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ در مسجدجامع شهرک غرب برگزار می‌گردد.

شرکت تولیدی مواد شیمیائی ایران

با کمال تأسف و تأثر درگذشت حاجیه خانم کوکب ایوانی والده گرامی آقایان دکتر نورا...، دکتر غلامرضا و دکتر وحید محمدی را به اطلاع دوستان و همشهریان

کرمانشاهی می‌رساند، به همین مناسبت مجلس ترحیمی در تاریخ جمعه ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.

هیات مدیره خانه کرمانشاه

جناب آقای دکتر فرامرز سرابی

با نهایت تأسف و تالم در گذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، و از خداوند منان برای آن مرحومه علودرجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو نمیدم، ضمن مجلس ترحیم روز پنجشنبه مورخ ۹۲/۴/۱۳ از ساعت ۱۲ در تالار آمیتیس واقع در شهرک قدس – بلوار دریا – خیابان صرافان – پلاک ۳۷ برگزار می‌گردد.

مدیر عامل – هیئت مدیره – پزشکان و پرسنل بیمارستان لاله

هوالباقی

به اطلاع کلیه همکاران و اعضای محترم جامعه پزشکی می‌رساند مراسم ترجیم مرحومه دکتر ساناز یزدانی، فرزند دلیند جناب آقای دکتر علی یزدانی معاون محترم آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی و عضو هیأت مدیره تهران بزرگ روز پنج‌شنبه ۱۳/۹/۱۳۹۲ از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ در مسجدجامع شهرک غرب برگزار می‌گردد. حضور شما باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

رئیس کل و معاونین سازمان نظام پزشکی کشور

با کمال تأثر و تأسف درگذشت بزرگ‌مردی از تبار نصیرپور و لقیوانی حاج آقا میرهدایت نصیرپور اسکوئی را به استحضار می‌رساند. مجلس ترحیم آن فقیداز دست رفته روز پنجشنبه ۱۳ تیر ماه از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۰ درمسجد جامع شهرک غرب روبروی مرکز تجاری میلاد نور منعقد می‌گردد. حضور جنابان موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: نصیرپور اسکوئی – لیقوانی – دهشیری – مقدم – همایونفرخ

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف درگذشت جناب آقای دکتر اصغر بینا را به اطلاع اقوام و دوستان می‌رساند. به همین مناسبت، مراسمی روز جمعه ۱۴ تیرماه از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در آدرس ذیل برگزار می‌شود.

تهران، خیابان ولیعصر(عج)، خیابان وحیددستگردی (ظفر)، پلاک ۳۲۳، طبقه دوم.

رامین بینا و خانواده آن مرحوم

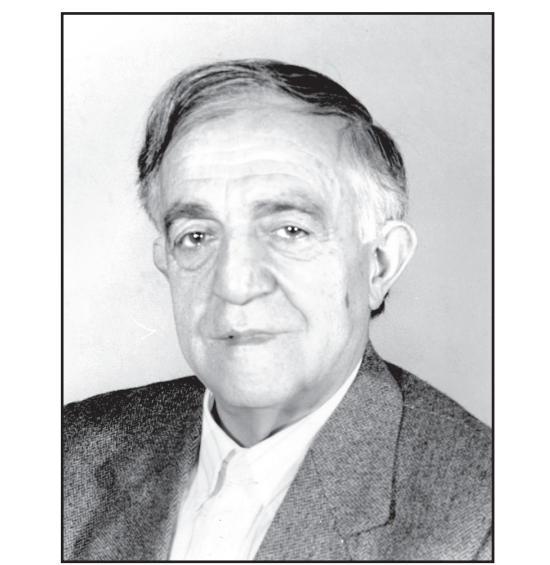
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان مرحوم مهندس محمد خطیبی طهرانی، انسانی خیر، نیکوکار و پدري فداکار را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۲ در مسجدجامع شهرک غرب (میدان صنعت) برگزار می‌گردد.

خانواده‌های داغدار: خطیبی طهرانی، ادیب، پی‌سپار، تیموری، نینادی، مشاری، سپنجی، رحمتی زاده، پزشکان و پرسنل بیمارستان جم

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان مرحوم مهندس محمدخطیبی طهرانی، انسانی خیر، نیکوکار و پدري فداکار را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۲ در مسجد شهرک غرب (میدان صنعت) برگزار می‌گردد.

یادبود

بنام خدا



یکسال از خاموشی استاد دکتر حسن دادبان، استاد فرهیخته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌گذرد.

عشق او به سرزمینش ایران و مردمان خوب آن انسانیت و ارج نهدان او به آستاید، همکاران، دوستان، بستگان، همسایگان و اعتقاد به پیوند محکم و استوار بین علم و عمل که آن را به مثابه سرمشقی ارزشمند برای دانشجویان شایسته‌اش به میراث گذاشته و آنها نیز به سهم خود در تداوم راه و روش او آرزوهای بزرگش را محقق ساخته‌اند به ما نیز آموخته است که محبت‌های بی‌منت و بی‌صدای او را که جاودانه در جان زندگیمان سبز است تا ابد بیاد داشته باشیم.
خاطره‌هایش نقشی است یادار در قلب‌هایمان سرسبز سالگرد مرحوم روز جمعه ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۷/۳۰ الی ۱۹ بعدازظهر در بهشت زهرا(س) قطعه ۷۰ ردیف ۳۶ شماره ۲۳ برگزار خواهد شد. حضور شما عزیزان موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

از طرف: الحاجیه دادبان – دکتر علی دادبان

ترجیم

به نام آرام‌بخش دلها

هشتمین سال جدایی از انسانی والا

همسر و پدری مهربان مرحوم حسینقلی جوانشیر گذشت

یاد و خاطره آن عزیز همیشه بر ایمان سبز و ماندگار بوده و خواهد بود.

یلینا ریاحی [جوانشیر] –هاله جوانشیر [حمد] –ماندانا جوانشیر [نصیری] –سرژ حمد–سیامک نصیری و کیان حمد

بیاد مادر، این اسطوره، عشق، مهربانی، فداکاری و فضیلت دهمین سال هجرت «سیده سادات حاجیه خانم شرافت فیوضی»، مادر آب و آینه، صاحب سجاده نور، اسوه نجابت، ایمان، مهر، وفا، بزرگ خاندان، جراح دودمان، پرده‌نشین پارسا، سلطان مقام تسلیم و رضا و اطاعت پروردگار، فرا رسیده است.

نشیمین تو نه این کنج محنت آباد است

تو را ز کنگره ارض می‌زند صغیر چه سخت است در دل گریستن و هیچ نگفتن و چه دشوار که اشک دیده را در ماتمکده دل جاری ساختن و تکیه گاهی مطمئن و مهربان را از دست دادن.

مادرم! افسوس و صد افسوس که جفاکاری، رنگ ریا و نمک شناسایی توسط چندنی ناپسیاس که در حیات خود شاهد بودی منجاسان بیشتر و بیشتر ادامه دارد و ظهور می‌کند.

به مناسبت بزرگداشت سالگرد مادر بزگوار بانو:



ساعت ۱۱ جمعه ۹۲/۴/۱۴ با حضور در قطعه ۳۸ بهشت زهرا(س) بر تربت پاکش گرد هم می‌آیم و با اشک جنشمان خانه پاکش را شستشو می‌دهیم و انشاءالله هشتین ملائک مقرب درگاه الهی (صمه‌داران ملک) باشد.

بدرستی که هیچ گلی در جهان به طراوت و خوش‌بویی و قشنگی لیخند «مادر» نیست.

از ما، حدیث زلف و رخ مادر میرس طوفان رسیده را ز کنار و میان میرس دوری نیازموده، چه داند که هجر چیست از موج آب، حال جگر تشنگان میرس مهندس حسن فیوضی، خانواده‌های کریمی و کمیلی و دیگر سوگواران واقعی

با نهایت غم و اندوه چهلمین روز درگذشت پدری مهربان و همسری لذسوز مرحوم فروز شادروان حاج حسین عظیمی(تبریزی) «بزرگ خاندان»، «پدر گرامی آقایان محمد و حسن عظیمی»، «دامادها (حلویی، بهبودی مقدم و انصاریان)» را به اطلاع کلیه دوستان و بستگان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبودی روز پنج‌شنبه ۱۳/۴/۹۲ از ساعت ۱۸:۳۰ الی ۱۹:۳۰ بر سر مزار پاک آن مرحوم واقع در بهشت زهرا(س) قطعه ۳۱۶ ردیف ۱۳۱ شماره ۲۶ برگزار می‌گردد. حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

از طرف خانواده‌های: عظیمی، باهر و سایر بستگان، دوستان و آشنایان



با نهایت تأسف درگذشت یاری دیگر از قافله دلاوران دوران دفاع مقدس امیر خلیبان ناصر گودرزی را به خانواده محترم ایشان و کلیه دلاوران نهاجا تسلیت گفته و برای آن عزیز سفر کرده طلب آمرزش الهی را داریم .

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

کانون هوانوردان و مستداران آسمان آبی (N.G.O خلیبان)

سرکار خانم دکتر زهرا شیرازیان

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.

هیئت مدیره، مدیرعامل، پزشکان و کارکنان بیمارستان سجاد

همکار گرامی جناب آقای دکتر علی یزدانی

با نهایت تأسف و تاثر مصیبت جانگداز درگذشت فرزند دلبدنتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای جنابعالی صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.

دکتر عبدالرزاق خالقیان –دکتر نکین خالقیان

جناب آقای دکتر علی یزدانی

مصیبت جانگداز وارده را تسلیت عرض نموده، ما در غم بزرگ شما شریک هستیم.

دکتر مهدی حفیظی –دکتر کتایون حفیظی

دوست عزیز و گرامی سرکار خانم دکتر منصورى

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته و برایتان سعادت و سلامت و برابری آرزو نمیدم.

ظاهر پور – صدر – میراحمدی – رحیم‌زاده – عراقی – مهشت – آزاده- مصطفوی – پایا

سرکار خانم فروزان محمودیان

و آقای مهندس مجید ابریشمی

مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نمائیم.

سیمیا زایوه و احمد ریاضی

جناب آقای دکتر فربرز سرابی

مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوندمنان برای بازماندگان صبر و شکیبایی طلب می‌نمایم.

هیأت مدیره، مدیرعامل، رئیس، پزشکان و پرسنل بیمارستان قائم(عج) کرج

آگهی تغییرات شرکت مدیریت پروژه‌های انرژی پذیر مکسان پشرو سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۱۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۱۸۲۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۹ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران -فرغانه خ شهید اعرابی (صاف) خ شهید بهرادی پ ۳۳ واحد ۱۰ کد پستی ۱۸۷۸۲۷۸۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها بشرح فوق اصلاح گردید.
- در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - واحد ثبتی تهران کد: ۱۸۰۶۵۱۲۳

آگهی تغییرات شرکت پذیر و نهال سینا سهای خاص به شماره ثبت ۲۰۲۱۲۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۱۸۸۰۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۰ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-محل شرکت از استان تهران به استان البرز واحد کرج به نشانی جدید استان البرز شهر کرج - شهر شهید بهلور امام خمینی(ره) (نیم خیابان ۱۰۰ - ساختمان آناهیتا بلوک ای - واحد ۸ کد پستی ۱۸۵۷۹۳۷۸ انتقال یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها بشرح فوق اصلاح گردید.
- در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
- در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

آگهی تغییرات شرکت فروز سامان الکتریک در راه سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۲۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۱ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-اضافه هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

۱-مجلس شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران -فرغانه خ شهید اعرابی (صاف) خ شهید بهرادی پ ۳۳ واحد ۱۰ کد پستی ۱۸۷۸۲۷۸۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها بشرح فوق اصلاح گردید.

۲-روزنامه کنیرالانتشار «طلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

۳-روزنامه کنیرالانتشار «طلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.

۴-تأیید هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

- ۱-مجلس شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران -فرغانه خ شهید اعرابی (صاف) خ شهید بهرادی پ ۳۳ واحد ۱۰ کد پستی ۱۸۷۸۲۷۸۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها بشرح فوق اصلاح گردید.
- ۲-روزنامه کنیرالانتشار «طلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
- ۳-تأیید هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت سامان الکتریک در راه سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۲۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۱ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-مجلس شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران -فرغانه خ شهید اعرابی (صاف) خ شهید بهرادی پ ۳۳ واحد ۱۰ کد پستی ۱۸۷۸۲۷۸۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها بشرح فوق اصلاح گردید.
- ۲-روزنامه کنیرالانتشار «طلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
- ۳-تأیید هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت سامان الکتریک در راه سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۲۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۱ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-مجلس شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران -فرغانه خ شهید اعرابی (صاف) خ شهید بهرادی پ ۳۳ واحد ۱۰ کد پستی ۱۸۷۸۲۷۸۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها بشرح فوق اصلاح گردید.
- ۲-روزنامه کنیرالانتشار «طلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
- ۳-تأیید هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت سامان الکتریک در راه سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۲۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۱ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-مجلس شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران -فرغانه خ شهید اعرابی (صاف) خ شهید بهرادی پ ۳۳ واحد ۱۰ کد پستی ۱۸۷۸۲۷۸۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها بشرح فوق اصلاح گردید.
- ۲-روزنامه کنیرالانتشار «طلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
- ۳-تأیید هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت بازگانی تجارت اعتماد بین الملل با پایتخت سهای خاص به شماره ثبت ۳۰۵۲۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه هیئتمدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۹ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-اضافه هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

۱-مجلس هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

۱-مجلس هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت طلوع سهای خاص به شماره ثبت ۲۸۱۲۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۵۰۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۹ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

۱-مجلس هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت طلوع سهای خاص به شماره ثبت ۲۸۱۲۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۵۰۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۹ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

۱-مجلس هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت آرمین تانان سهای خاص به شماره ثبت ۲۲۱۲۵۸ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۵۰۳

به استناد صورتجلسه هیئتمدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت انفر افرا نوین گستر سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۱۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۹ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

۱-مجلس هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت انفر افرا نوین گستر سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۱۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت انفر افرا نوین گستر سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۱۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت انفر افرا نوین گستر سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۱۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت انفر افرا نوین گستر سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۱۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت انفر افرا نوین گستر سهای خاص به شماره ثبت ۷۲۷۱۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۲ - ۲۵ شعبان ۱۳۹۳ - ۴ جولای ۲۰۱۳ - شماره ۲۵۶۳۱

بازگشت همه پسوی اوست

برادر ارجمند جناب آقای اکبر عزیزی

با کمال تأسف فقدان والده بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه غفران و رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.

امور مالی – اداره حسابدارها – بودجه و گزارشات

– حقوق و دستمزد – سازمان وصول – اداره اموال و انبارهای موسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

جناب آقای دکتر روح‌اللهی

مدیرعامل محترم بیمارستان کسری

با نهایت تأسف و تالم درگذشت خواهر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، و از خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو نمیدم.

مدیرعامل – هیئت مدیره – پزشکان و پرسنل بیمارستان لاله

بازگشت همه پسوی اوست

برادر ارجمند جناب آقای اکبر عزیزی

با کمال تأسف درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمایم.

موسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

جناب آقای دکتر علی یزدانی

خبر درگذشت فرزند دلبدنتان مرحومه خانم دکتر «ساناز یزدانی» غمی بزرگ بر دل ما گذاشت، در این مصیبت ما را شریک بدانید.

بازگشت همه پسوی اوست

برادر ارجمند جناب آقای اکبر عزیزی

با کمال تأسف درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمایم.

جناب آقای دکتر علی یزدانی

خبر درگذشت ناهنگام دختر گرامیتان سرکار خانم دکتر ساناز یزدانی چنان سنگین و جانسوز است که به دشواری به باور می‌نشیند. ولی در برابر تقدیر حضرت حق چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست.

بدینوسیله این ماتم جانگداز را به حضر تعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و برای آن عزیز سفر کرده علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمدحسین بدخش و خانواده

برادر ارجمند جناب آقای دکتر قاسم روح‌اللهی

با اندوه فراوان مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نماییم.

مدیرعامل و هیئت مدیره بیمارستان بهمن

جناب آقای دکتر حسینعلی بصیری

بدینوسیله درگذشت مادر همسر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، بقای عمر شما و بازماندگان محترم را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

انجمن قلب و عروق ایران

جناب آقای دکتر یوسف مقدم

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و بقای عمر جنابعالی و خانواده محترمتان را از درگاه ایزدمنان خواستاریم.

آگهی تغییرات شرکت صنعت بلیر فدک سهای خاص به شماره ثبت ۴۲۲۷۲۷ و شناسه ملی ۱۰۱۲۰۹۶۲۸۵

به استناد صورتجلسه هیئتمدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱- کلیه سرمایه‌های شرکت برسط صاحبان سهام پرداخت گردید است.

در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۹ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری – واحد ثبتی تهران کد: ۱۸۰۵۰۳۵۰

آگهی تغییرات شرکت شرکت خرما سینا سهای خاص به شماره ثبت ۳۰۳۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه هیئتمدیره مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

- ۱-مجلس هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

۱-مجلس هیئتمدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:

آگهی تغییرات شرکت توسعه و تجارت جهان پیر نوساده سهای خاص به شماره ثبت ۲۶۸۲۰۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت توسعه و تجارت جهان پیر نوساده سهای خاص به شماره ثبت ۲۶۸۲۰۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت توسعه و تجارت جهان پیر نوساده سهای خاص به شماره ثبت ۲۶۸۲۰۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی طرطور فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گستر دودانش سهای خاص به شماره ثبت ۶۱۸۲۸۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۴۳۴۳

به استناد صورتجلسه هیئتمدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۸ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

نام شرکت به «سپه‌گستر دودانش» تغییر یافت و ماده مربوطه در اسانسه‌ها اصلاح گردید.

در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۹ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

داره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - واحد ثبتی تهران کد: ۱۷۸۸۴۴۰۴

آگهی تغییرات شرکت بازگانی بین الملل به پیش سهای خاص به شماره ثبت ۲۳۴۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۴۳۴۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌الادامه مورخ ۱۳۹۱/۷/۰۱ تصصبات ذیل اتخاذ شد:

ماده ۱۶-اسانسه‌ها بشرح صورتجلسه اصلاح گردید.

در تاریخ ۱

فکات مهتاب

پنجشنبه ۱۳ آبان - شماره ۲۵۶۳۱

ضمیمه کودک و نوجوان روزنامه اطلاعات





خط های کمرنگ و پررنگ

اکرم کشایی

تقدیم به همه ی پدرها

دلایل زیادی هم برای خودم داشتم که به نظرم ثابت می کرد حق بامن است.

اما واقعا "حق بامن نبود. وقتی سکوت می کردم می فهمیدم حق بامن نیست. معنای سکوتش از هزار کلمه برایم بیشتر بود.

*خط غم

همیشه غمهایش را پنهان می کرد.

*خط نگرانی

یادم رفته بود بگویم آن روز برایمان کلاس فوق العاده گذاشته اند. دیر آمدم. خیلی دیر. تابه حال این قدر نگران ندیده بودمش.

*خط همراهی

از سر جلسه ی کنکور که آمدم بیرون گفتم: "بد نبود. خوب بود. اصلا" نمی دونم. نمی دونم چطور بود.

گفت: "خوبه. نتیجه هرچی باشه خوبه. بهش فکر نکن."

هیچ جمله ای جز این نمی توانست اینقدر آرامم کند. چه همراه خوبی بود پدر. نشسته ام روی خط های کمرنگ و پررنگ.

دست های پدرم توی دست های من است.

دست هایش را می بوسم.

و بر می گشت بالا. هنوز خیلی مانده بود تا غروب. داشت بر می گشت خانه. رادیوی ماشین روشن بود:

-کسی که برای تامین زندگی خانواده اش کار می کند و زحمت می کشد مانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند.

دور زد. چند سرویس دیگر می توانست برود و برگردد.

*خط طاقت

خودش را توی آینه نگاه کرد. دیگر آن مرده سال پیش نبود. زود از کوره در نمی رفت. زود خودش به جوش نمی آمد. طاقتش بیشتر شده بود.

*خط فداکاری

آن روز صبح زود وقتی از خانه آمد بیرون، نگاهش افتاد به کفش های نیمه دارش.

- "امروز می روم یک جفت کفش می خرم."

شب که به خانه برگشت یک دست مانتو و شلوار قهوه ای خوش دوخت که قبلا "قول خریدش راداده بود، با خودش به خانه آورد.

*خط سکوت

نظرم را قبول نداشت. من اما فکر می کردم حق بامن است.

یک خط... دو خط... سه خط... چقدر خط! این خطوط درهم و برهم، این خطوط کمرنگ و پررنگ دارند حرف می زنند بامن!

خط های جدید، خط های قدیمی عمیق... بیا اسم بگذاریم برای هر کدامشان. این یکی خط مسئولیت، آن یکی خط خستگی، این: خط طاقت، آن: خط فداکاری، این: نگرانی، آن: بردباری... غم... سکوت... تلاش... آی وای... چقدر خط!

*خط مسئولیت

صدای گریه نوزاد از اتاق کناری به گوشش رسید. بالاخره انتظار تمام شد. نوزاد را که دادند دستش، انگار چیزی همه ی وجودش را فرا گرفت. چیزی به نام احساس مسئولیت! و این اولین خط بود.

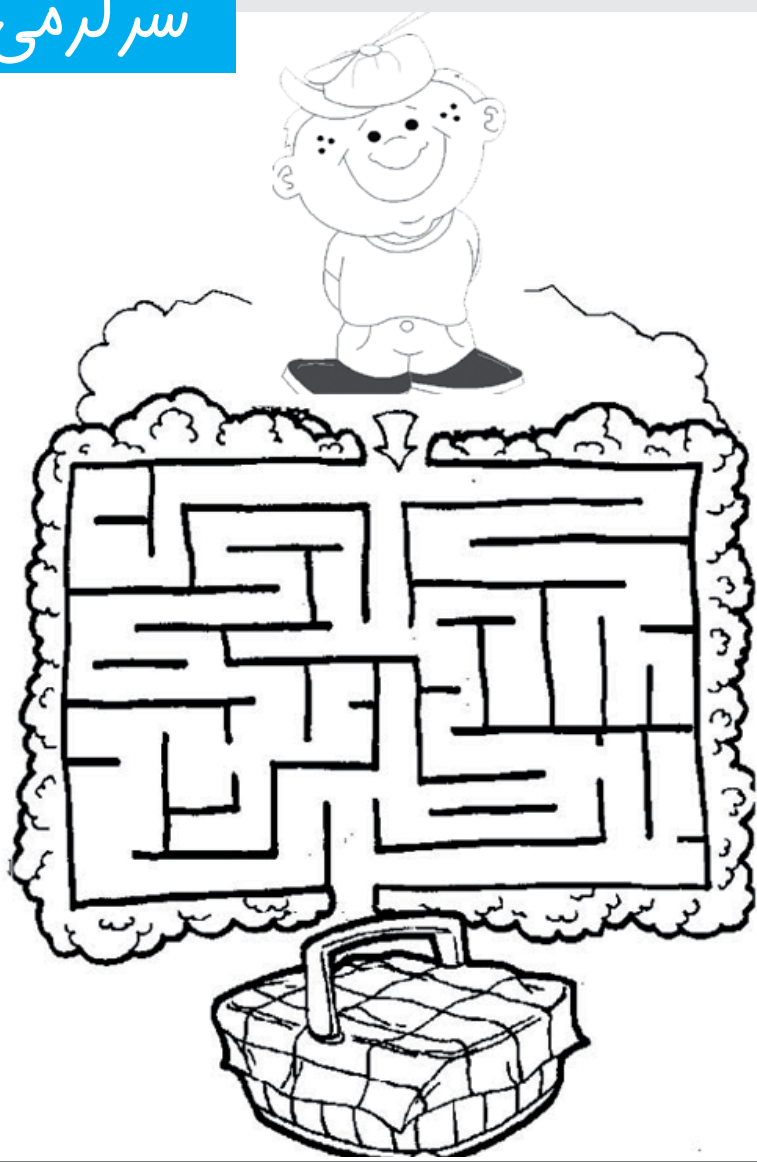
*خط خستگی

زمستان سردی بود. باد تندی می پیچید توی شاخه های خشک درختان و هو هو می کرد. گوشه ی خیابان را گرفته بود و تند تند قدم بر می داشت تا بار سنگین توی دستهایش را زودتر به خانه برساند. وقتی به خانه رسید تازه فهمید چقدر خسته است.

*خط تلاش

تابستان گرمی بود. هُرم آفتاب می ریخت روی آسفالت خیابان

سرگرمی



ماهی و دریا

اسدالله شعبانی

شعر شهر

مهدی مردی

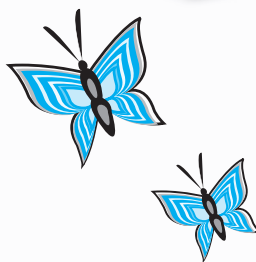
در خیابان صبح امروز
شهر را خوشحال دیدم
شعر باران را به نرمی
از زبان او شنیدم
واژه‌های شعر شهرم
پاک و بی‌مانند بودند
خانه‌ها همراه باهم
شعر باران را سرودند
چکه چکه واژه‌هایش
جمله می‌شد در خیابان
در سکوت ناودان‌ها
گفته می‌شد شعر باران

یک روز تابستان
رفتم لب دریا
در ساحلش دیدم
یک ماهی زیبا

خود را تکان می‌داد
آن ماهی کوچک
پیراهنش پر بود
از ماسه و پولک

از ساحل دریا
برداشتم او را
انداختم با دست
بر سینه دریا

در سینه دریا
ماهی تکانی خورد
یک موج هم آمد
آهسته او را برد.



داستانهای حیوانات

معرفی کتاب

برای گروه سنی الف و ب
«مجموعه کتابهای حیوانات» این کتاب نوشته و
تصویرگری: لئو لئون با ترجمه‌ی غلامرضا امامی
توسط موسسه نشر مهر منتشر شده است.



من قهرمانم ۱

غار اهریمن

معرفی کتاب

شما ماجراجویی هستید که در دنیای
پررمز و راز یونان باستان زندگی می‌کنید.
در این داستان دختر پادشاه تبس دزدیده
شده است. آیا مایلید بدون مقدمه به نجات
او بروید؟ یا در فکر پیدا کردن راه دیگری
هستید؟

به هر حال شما قهرمان این داستان
هستید. این شماست که در باره‌ی سرنوشته
داستان تصمیم می‌گیرید.

این کتاب نوشته استیو بارلو - استیو
اسکیدمور و ترجمه‌ی سعیدازندیان
توسط انتشارات قدیانی به چاپ رسیده
است.



درخت های تیغ تیغی

سیدنوید سیدعلی اکبر

تیغی گفت: «هااااا؟ حالا هنوز که کچل نشدیم این همه غصه می خوری. بیا درختِ جوجه تیغی باشیم.»

جوجه گفت: «برکه رو گذاشتن برای آب تنی، برای ماهیگیری. آخه یکی نیست بگه جوجه تیغی خودش رو تو برکه تماشا می کنه؟»

تیغی گفت: «ناراحت نکن خودت رو جوجه. خارهامون رو جمع می کنیم توی درخت. کچل که شدیم نشون همه می دیم می گیم ببینین. اینا خارهای ما بودن، یه روزی، روزگاری. یکی بود یکی نبود.

دوتا جوجه تیغی بودن که خارهاشون می ریخت...» جوجه چندتا دیگه از خارهایش را کند و به هوا ریخت: «تو آخر من رو خل می کنی تیغی. خل می کنی تیغی. نمی خوام. نمی خوام خودم رو تو برکه تماشا کنم. نمی خوام کچل بشم. نمی خوام. نمی خوام...»

تیغی گفت: «هااااا؟ اینطور که زودتر کچل می شی جوجه! بیا درختِ جوجه تیغی بشیم. باشه؟ تو بشو جوجه درخت، من تیغی درخت. باشه؟»

جوجه گفت: «باشه.» و جوجه تیغی ها شبیه درخت پاهایشان را توی خاک کردند، چشم هایشان را بستند، خارهایشان را توی باد تکان دادند و گذاشتند کلاغ ها روی دست هایشان لانه کنند.

فقط شب ها بود که گوله می شدند توی چاله ی خودشان و خوابشان می برد. بهار که آمد لای خارهای تازه شان شکوفه های تیغ تیغی جوانه بست.

مثل درختا که پاییز برگ هاشون می ریزه؟» جوجه گفت: «بله. مثل درخت ها. فقط فرقش اینه که اونا بهار دوباره جوونه می زنن، ولی ما تا آخر آخرش کچل می مونیم.»

تیغی گفت: «هااااا؟ کاش ما هم بهار جوونه می زدیم جوجه.» جوجه چند تا از تیغ های سرش را کند و به هوا پاشید و گفت: «من به چی فکر می کنم، تو به چی فکر می کنی؟ من فکر می کنم چه خاکی به سر کچلمون بریزیم. اون وقت تو...»

تیغی گفت: «هااااا؟ جوجه! می گم اگه ما مثل درختا پاهامون رو بکنیم تو خاک، خارهامون رو تو باد تکان بدیم، بذاریم کلاغ روی دستامون لونه بسازن، فکر می کنی بهار خارهای تازه در بیاریم؟» جوجه گفت: «من به چی فکر می کنم تو به چی فکر می کنی؟»

تیغی گفت: «هااااا؟ مگه تو به چی فکر می کنی؟»

جوجه گفت: «به اینکه اگه درختِ جوجه تیغی بشیم، ما که بلد نیستیم وایساده بخوابیم. بلدیم؟» تیغی گفت: «هااااا؟ وایساده؟ بخوابیم؟ نه. بلد نیستیم که. پس چیکار کنیم؟»

جوجه گفت: «اگه توی برکه خودم رو تماشا نکرده بودم اینطور نمی شد.»

تیغی گفت: «جوجه! خاره دیگه. می ریزه. غصه نخور. بیا درخت هایی باشیم که شبامی خوان بخوابن برن توی چاله ی زمین بخوابن. اون وقت شاید بهار خارهامون در اومد.»

جوجه گفت: «خوش به حالت. کاش منم مثل تو خودم رو توی برکه تماشا نکرده بودم!»

نزدیک بوته های تمشک، دو تا جوجه تیغی زندگی می کردند. اسم یکی بود «جوجه»، اسم آن یکی «تیغی». یک روز سرد زمستانی جوجه خودش را توی برکه نگاه کرد و گفت: «تیغی؟» تیغی گفت: «جان تیغی؟» جوجه گفت: «خودت رو تماشا کردی تو آب؟»

تیغی گفت: «هاااا؟ تماشا کنم تو آب؟» جوجه گفت: «یعنی تو تا حالا خودت رو توی آب تماشا نکردی؟ پس چیکار می کنی صبح تا شب؟»

تیغی سرش را خاراند و گفت: «هااااا؟ چیکار می کنم؟ نمی دونم که. خودت چیکار می کنی صبح تا شب؟»

جوجه گفت: «من؟ من خودم رو توی برکه تماشا می کنم.»

تیغی غصه اش گرفت. خودش را شبیه یک توپ خاردار کرد و پشت سنگ قایم شد. جوجه خودش را دوباره توی برکه تماشا کرد و گفت: «ایششش! اینام که همه ش می ریزن.»

تیغی سرک کشید از پشت و سنگ و گفت: «جوجه؟»

جوجه گفت: «جان جوجه؟» تیغی گفت: «کاش من هم می تونستم خودم رو توی برکه تماشا کنم...»

جوجه گفت: «من به چی فکر می کنم، تو به چی فکر می کنی؟»

تیغی گفت: «هااااا؟ مگه تو به چی فکر می کنی؟»

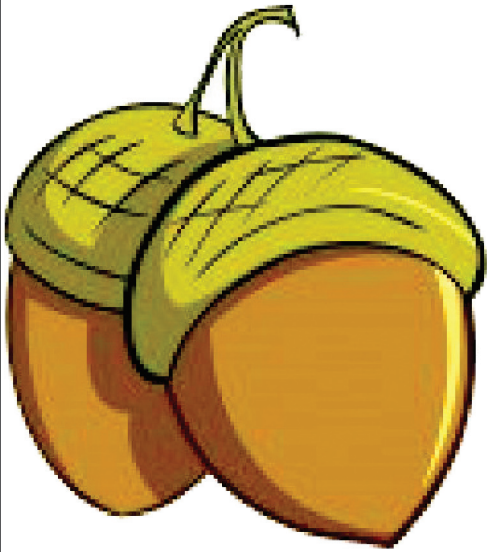
جوجه گفت: «من دارم به این فکر می کنم که خارهامون ریزش گرفته داریم کچل می شیم. اون وقت تو می خوای تو برکه تماشا کنی که چی بشه؟ خیال کردی تو برکه چی هست؟ عکس خودت رو می بینی که خارها دارن می ریزن.»

تیغی گفت: «هااااا؟ یعنی خار ریزش گرفتیم؟»



ما بلوط می خواییم یالا!

راحیل زیبایی



قصه‌های مامانم گوش کنم؟» بعد بغضش ترکیب و اشک‌هایش گوله گوله آمد پایین. درخت بلوط آهی کشید. درد از یک طرف اذیتش می‌کرد، از یک طرف نمی‌دانست با این همه بچه‌سنباب شکمو و غمگین چی کار کند. همان‌موقع دو تا دیگر از بچه‌سنباب‌های بزرگتر خودشان را از تنه درخت بالا کشیدند تا به دوستشان کمک کنند. دو تای دیگر هم بالا آمدند تا بروند سر وقت بلوط‌ها. طولی نکشید که همه بچه‌سنباب‌ها دور تا دور تنه درخت را گرفتند.

درخت بلوط به خودش آمد و دید تنه‌اش دارد از گرمای تن بچه‌سنباب‌ها داغ می‌شود و انگاری دارد بهتر می‌شود. بلندبلند گفت: «بچه‌ها! چه پتوی خوبی شدین برام! تنه‌ام داره بهتر می‌شه! دردم داره کمتر می‌شه! شاید آگه یه ذره دیگه بمونین این جا خوب خوب شم!»

سنباب‌های پشمالو، همان‌جا که بودند، محکم تنه درخت بلوط را چسبیدند و لپ‌ها و دم‌هایشان را مالیدند به او.

خورشید هم تصمیم گرفت کمک کند و گرم‌تر تابید تا تنه درخت بلوط گرم‌تر بشود. طولی نکشید که درخت بلوط حس کرد راحت‌تر می‌تواند تنه و شاخه‌هایش را تکان بدهد.

بچه‌سنباب‌ها دیگر خسته شده بودند و می‌گفتند: «بلوط جون خوب نشدی؟ خسته شدیم آخه! پس کی خوب می‌شی؟»

درخت گفت: «از دست شماها! خب مگه بلوط نمی‌خوانین؟ پس باید یه جوری کمک کنین دیگه!»

بچه‌سنباب‌ها خجالت کشیدند و کمی دیگر بدون غرغر کردن ماندند.

درخت بلوط وقتی دید دیگر می‌تواند بلوط‌هایش را پایین بریزد نفس راحتی کشید و گفت: «آخیش! برین پایین شکموها! خوب شدم دیگه! الان بلوط می‌ریزم براتون! مرسی که کمک کردین!» بچه‌سنباب‌ها چندتا چندتا از درخت آمدند پایین و تند و تند بلوط چپاندند توی لپ‌هایشان و توی لانه‌هایشان گم شدند.

اشک توی چشم‌هایش جمع شده بود. بلند به سنباب‌ها گفت: «بچه‌ها من تنه‌ام بدجور گرفته، باد هم نیست که کمک کنه، فکر کنم امروز نتونم بلوطی بهتون بدم.»

بچه‌سنباب‌ها همگی دست از بالا پایین پریدن دست برداشتند و دهان‌هایشان را بستند و همدیگر را نگاه کردند. بعد از چند ثانیه دوباره بالا و پایین پریدند و گفتند:

«بلوط جون! بلوط جون! خواهش می‌کنیم! تو رو خدا! تو رو خدا! ما بلوط می‌خواهیم! خواهش می‌کنیم!» و آن وقت دم‌هایشان را تاپ‌تاپ به هم کوبیدند و خواندند: «ما گشنه مونه، یالا! ما بلوط می‌خواهیم یالا!»

چندتایی از سنباب‌های کوچکتر هم زدند زیر گریه و محکم چسبیدند به تنه درخت. درخت بلوط غصه‌اش شد. شاخ‌هایش را آویزان کرد و زل‌زل به بچه‌سنباب‌ها نگاه کرد که آواز می‌خواندند و بلوط می‌خواستند.

ناگهان، یکی از بچه‌سنباب‌ها تصمیم گرفت خودش از تنه درخت بالا برود. پرید و خودش را چسباند به تنه درخت. درخت بلوط قلقلکش آمد و غش‌غش زد زیر خنده.

گفت: «نکن کوچولو، وقتی می‌خندم دردم بیشتر می‌شه!» اما سنبابی که به تنه چسبیده بود دیگر نمی‌توانست تکان بخورد. نه می‌توانست برود بالا، نه می‌توانست برگردد پایین. هنوز خوب بلد نبود بدون مامان و باباش از درخت بالا و پایین برود.

همان‌جا که بود، تنه درخت را محکم‌تر چسبید. بغض کرد و گفت: «من این جا گیر کردم! حالا چی کار کنم؟ حالا چه جوری برگردم پایین؟ حالا چه جوری بلوط بخورم؟ چه جوری با دوستانم بازی کنم؟ برم مدرسه؟» «برم خونه مون شب موقع خواب به

یک روز صبح آخرهای تابستان بود. پربلوط‌ترین درخت بلوط جنگل تا چشم‌هایش را باز کرد و کش و قوس آمد، دید بچه‌سنباب‌های پشمالو دورش حلقه زده‌اند و با دهان باز بالا و پایین می‌پرند. خمیازه‌ای کشید و گفت: «خیله خب، خیله خب، صبر داشته باشین!» صدا زد: «آهای باد! بیا هو هو کن لطفاً تا سهم بلوط امروز سنباب‌ها رو بریزم پایین.»

درخت بلوط کمی منتظر شد ولی باد نیامد. دوباره صدا زد: «آهای باد جون جونی! کجایی؟ زود بیا دیگه بچه‌سنباب‌ها او مدن. منتظرن!» ولی باز هم خبری نشد.



خورشیدخانم که صدای درخت را شنیده بود، گفت: «بلوط جون باد گفت بهت بگم امروز نمی‌تونه بیاد، رفته یک دریایی رو موج بندازه کارش طول می‌کشه!»

درخت بلوط لب‌هایش را جمع کرد و گفت: «ای بابا! این جوری که خیلی سخت می‌شه کارم، دست‌نمنا شدم که!»

با این حال وقتی دید که سنباب‌ها دورش جمع شده‌اند و با چشم‌های درشت زل زده‌اند به او، سعی کرد تا آن جایی که می‌تواند خودش را تکان بدهد تا برای آن‌ها بلوط بریزد.

درخت یک تکان به شاخه‌هایش داد و توانست چندتایی بلوط بیندازد پایین، اما تکان دوم را که خواست بدهد یک‌هو سیاتیک تنه‌اش گرفت و درد پیچید توی همه آوندهای تنه‌اش و دیگر نتوانست جم بخورد.



باردم حرف می زنم

اکرم کشایی

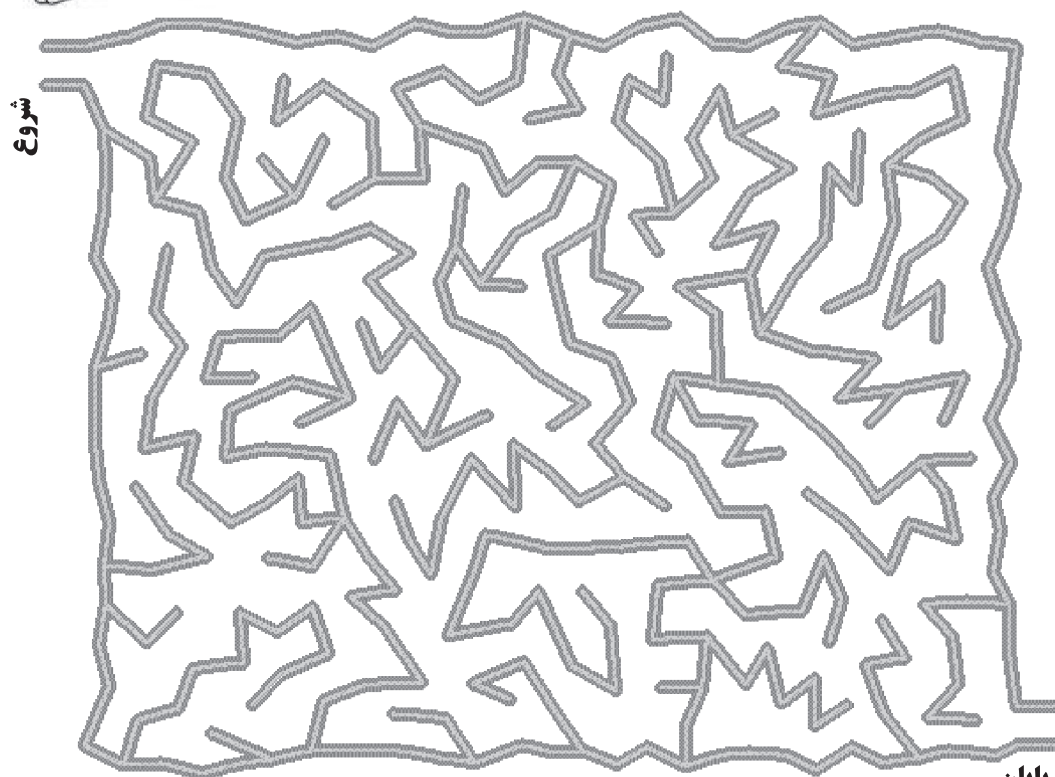
سایه ی کم رنگ درخت های کاج، خورشید خواب
آلوده ای که نور بی رمقش را پهن می کند توی کوچه ها و صدای
قار قار چند تا کلاغ! دلم کلی پول می خواهد، دلم یک کامپیوتر
می خواهد، دلم.....

خورشید خمیازه ای می کشد و می رود. یک دایره ی بزرگ
دیگر می آید توی آسمان. می نشینم زیر نور ماه. خورشید خوابیده
است.

کلاغ ها خوابیده اند. من بیدارم. پولهایم رامی شمارم: هزار
تومان، پنج هزار تومان، ده هزار تومان... شانزده هزار تومان...! با
دلم حرف می زنم. دلم گوش می کند. دلم شنونده ی خوبی است.
می خوابم و فردا صبح با خورشید بیدار می شوم.
احساس می کنم امروز خورشید خوشحال است. امروز کمتر به
چیز هایی که ندارم فکر می کنم. بیشتر به چیز هایی که دارم فکر
می کنم.



سرگرمی



پایان

غار یخی چما سردترین

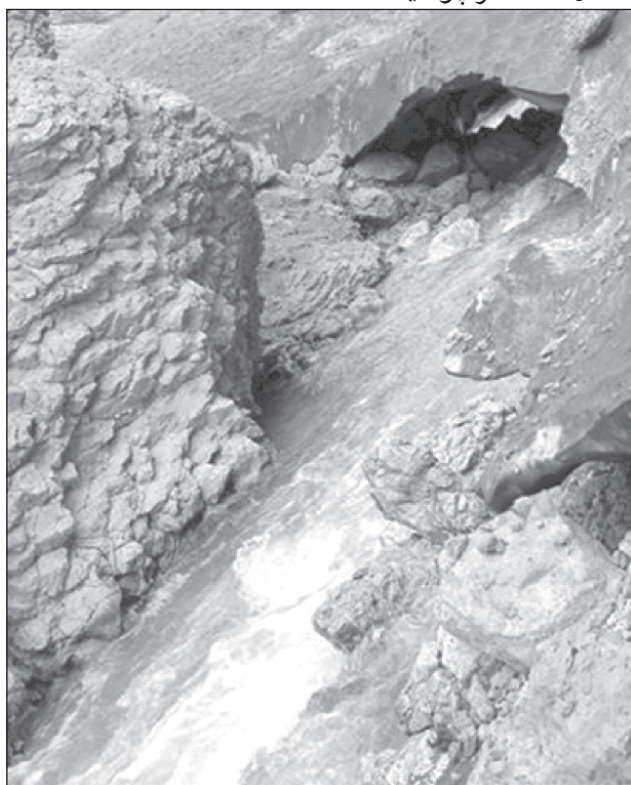


لیلی زمانی

نقطه در قاور میانه

فصل گرما فرارسیده و سفر به مناطق خنک و
ییلاقی برای همه لذت بخش است. این هفته بنا
داریم به خنک ترین نقطه در خاور میانه سفری
داشته باشیم.

همراه شوید تا به غار یخی برویم. تا پیش از
اینکه عشایر کوچنده در سال های اخیر این غار را
کشف نکنند کسی از وجود این غار خبر نداشت.
غار یخی چما در استان چهارمحال و بختیاری قرار
دارد. این غار در فاصله ۲۵ کیلومتری چلگرد در
نزدیکی روستای شیخ علیخان واقع شده که یکی از
نادرترین و اعجاب انگیزترین غارهای منطقه است.
طول غار حدود ۲۰۰ متر و قطر دهانه آن ۱۵ متر
است. ارتفاعات بالایی غار از برف و یخی به قطر
حدود ۲۰ متر پوشیده شده است.



با شروع فصل گرما برف و یخ های انباشته شده
کم کم آب می شود و از شکاف و روزنه ها به
داخل غار نفوذ می کند. اما به دلیل سرمای داخل
غار دوباره یخ می بندد و یک سقف یخی، همواره
برای غار ایجاد می شود.

از سوی دیگر محلی که غار قرار دارد سبب
می شود تا فضای غار در طول سال سرد باشد.
غار یخی در حدود ۱ کیلومتری ابتدای تنگ یا دره
حاج قلی (از دره های اصلی شمال قله قنبر کش
زردکوه) قرار دارد. آبی که در دره حاج قلی به سوی
چما می آید یکی از سه شاخه آب ورودی به منطقه
چما است که پس از پیوستن به هم، رودخانه سرده
یا سرکشان را شکل می دهند. از زیر یخ های این
غار چشمه های آب سرد جریان دارد که پس از طی
مسافتی در نهایت به سد کوه رنگ می ریزد. قرار
گرفتن در دره های عمیق و انباشت حجم برف های
چندین ساله در این مکان سبب شده قندیل های یخ
و توده های عظیم برف به صورت دائمی و در تمام
سال در این جا باقی بماند. با این حال غار یخی چما
در شهرستان کوه رنگ که به بزرگترین منبع آب
شیرین ایران نیز شهرت دارد، یکی از بی نظیرترین
و کم نظیرترین نقاط گردشگری ایران است که برای
بسیاری از گردشگران ناشناخته مانده است.



بچه‌های مهربون، خوشگلا و خوش‌زبون
می‌خوام بگم براتون، از داستان سارا جون
سارا میگه، بهاره با اون دوستم ستاره
رفته بودن به بازی، اما شدن ناراضی
خیلی گریه می‌کردند، همش سرفه می‌کردند
بابا میگه سارا جون، تو کوچه و خیابون
یا حتی توی میدون، بعضی از این ماشین‌ها
دود میکنن فراوون، اما نمی‌دونن که ضرر دارن برامون

دود



کارخانه‌های توی شهر، همش دارن دود می‌کنند
پاکی شهر تهران رو، دارن نابود می‌کنند
با تاکسی و با مترو یا که بریم با تندر
ماشین‌ها رو بزاریم تو پارکینگ‌های خودرو
این راه چاره ماست، راه حل معماست

پارمیدا ارفعی - ۱۰ ساله

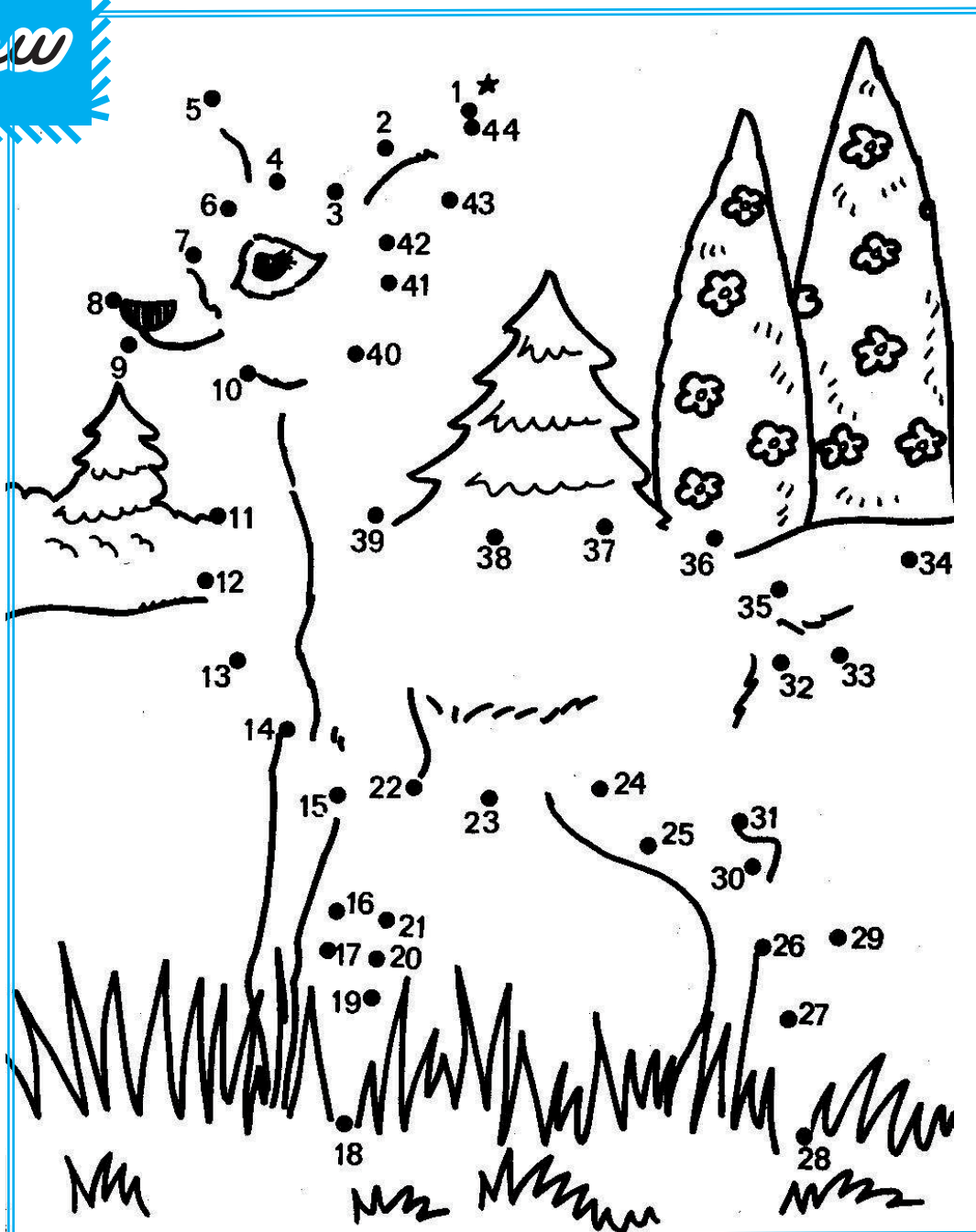
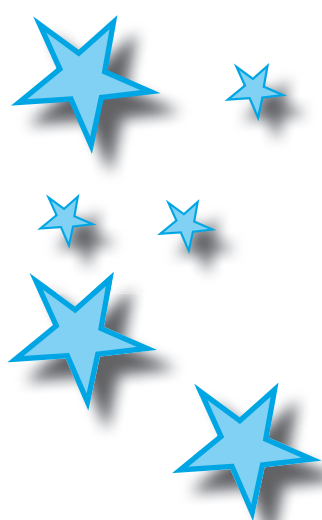


دای بی حواس

دای حواسش پرت پرت است
بیچاره خیلی کار دارد
او عیدی من را همیشه
در خانه‌اش جامی گذارد
امسال او در عید نوروز
مهمان ما شد سال تحویل
می‌خورد با لذت دولپی
شیرینی و چایی و آجیل
او گشت توی جیب خود را
دنبال پول اسکناسی
یک دفعه زد بر سرش و گفت:
ای وای، امان از بی حواسی.

درسا کوهی‌زاد هیکوئی - ۱۰ ساله - از تهران

سرگرمی



دوستان خوب

آفتاب مهتاب منتظر آثار شماست.

شما می‌توانید شعر، داستان و دل‌نوشته‌های خود را
برای ما ارسال کنید

آدرس: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی
ساختمان روزنامه اطلاعات.

شماره تماس: ۲۹۹۹۳۴۳۸ نمایر: ۲۲۲۵۸۰۲۲

